

جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران

بیست و سومین دوره مراسم جایزه کتاب سال و سیزدهمین دوره جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، دوشنبه ۱۷ بهمن ۸۴ با حضور رئیس جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد، جمعی از سفرا و نمایندگان سیاسی و فرهنگی کشورهای مختلف و گروهی از مسئولان کشور و اهالی فرهنگ و هنر نیز حضور داشتند.

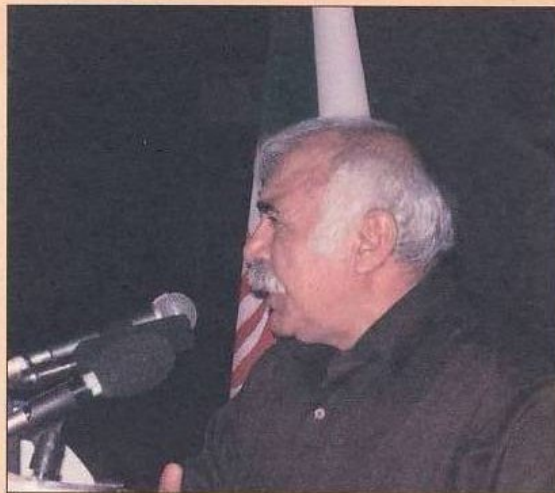
این مراسم که همه ساله از سوی دبیرخانه کتاب سال در دهه فجر برگزار می‌گردد، جهت بررسی و ارزیابی دقیق و علمی آثار منتشر شده از سوی اساتید و بزرگان هر فن برای یافتن آثار برجسته و شایسته تقدیر صورت می‌گیرد. امسال نیز این مراسم با شکوه خاص خود انجام یافت. در این مراسم مراکز پژوهشی داخلی و خارج همکاری داشتند. مرکز پژوهشی میراث مکتوب یکی از مراکز همکاری بود که در این راستا قدم برداشت.

در بیست و سومین دوره این مراسم، پس از سخنرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس مجلس شورای اسلامی، بیانیه هیأت داوران توسط مجید حمیدزاده، مدیر اداره کتاب و کتابخوانی قرائت شد. پس از آن، برگزیدگان داخلی و خارجی جوایز خود را از دست رئیس جمهوری دریافت نمودند. در پایان مراسم نیز جناب آقای دکتر احمدی نژاد رئیس جمهور کشورمان، به سخنرانی پرداخت.

جناب آقای حداد عادل، در بخشی از سخنان خود به اهمیت احیاء میراث اسلامی و ایرانی اشاره نمودند. وی فرمود: وجود این همه نسخه‌های خطی به زبان فارسی در ایران و همچنین نسخه‌های خطی فارسی در خارج از ایران از عظمت فرهنگ ملت ما حکایت می‌کند که نیازمند عرضه صحیح می‌باشد.

بانک جهانی نسخ خطی در میراث مکتوب ایشان با اشاره به اینکه مرکز پژوهشی میراث مکتوب به تازگی تصمیم گرفته است فهرست نسخه‌های خطی فارسی موجود در داخل و خارج ایران را یکجا عرضه کند، ابراز خوشبختی نمود و گفت که با احیاء این میراث بهتر می‌توان دریافت که ما صاحب چه میراث ارزشمندی هستیم. و این وظیفه ماست که چنین خدمتی را در عرضه شکوفایی علم ایران و اسلام انجام دهیم بکوشیم تا به جامعه فرهنگی و فرهیخته ایران جهت استفاده عرضه بداریم.

در پایان این همایش سه تن از شاعران بومی به سرایش اشعار خود درباره خلیج فارس پرداختند و چند تن از اهالی نکات تازه و بدیعی درباره آگاهیهای خود از تاریخ شفاهی جزایر و آثار تاریخی خلیج فارس بیان کردند. در اینجا شعری از آقای بهمنی شاعر معاصر نقل می‌شود:



محمدعلی بهمنی
شاعر محلی

دریا شدست خواهر و من هم برادرش
شاعرتر از همیشه نشسته‌ام برابزش
خواهر سلام با غزالی نیمه آمدم
تا با شما قشنگ شود نیم دیگرش
می‌خواهم اعتراف کنم هر غزل که ما
با هم سروده‌ایم. جهان کرده از برش
خواهر زمان زمان برادر کشی است باز
شاید به گوشه‌های نرسد بیت آخرش
با خود مرا ببر که نپرسد در این سکون
شعری که دوست داشتی از خود رهاترش
دریا سکوت کرده و من حرف می‌زنم
حس می‌کنم که راه نبردم به باورش
دریا منم هم که به تعداد موجهاش
با هر غروب خورده بر این صخره‌ها سرش
همو که دل زده است به اعماق و کوسه‌ها
خون می‌خورند از رگ درخون شناورش
خواهر برتن تو کم از ماهیان که نیست
خرچنگ‌ها مخواه بر سینه و پیکرش
دریا سکوت کرده و من بغض کرده‌ام
بغض برادرانه از قهر خواهرش